روزنامه شرق

یکشنبه ۲۱ مرداد ۱۴۰۳
۶ صفر ۱۴۴۶
۱۱ آگوست ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۴۹۰۰
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

مروری بر سخنان نرجس سلیمانی درصحن شورای شهر تهران

نمره زاکانی چند است؟

۶

در «شرق» امروز می‌خوانید: واکنش نمایندگان مجلس درباره رأی اعتماد وزرای پیشنهادی • شکل‌های زندگی: درباره ادبیات پس از تاریخ • واکنش شرکت واحد به یک گزارش

رئیس‌جمهوری برای تقدیم فهرست وزرای پیشنهادی امروز به مجلس می‌رود

رونمایی از کابینه در بهارستان

پزشکیان برای ۴ نفر از معاونان خود حکم زد

گزارش تیتر یک را در صفحه ۲ بخوانید

حسین افشین
معاون علمی، فناوری

سعید اوحدی
رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران

محمد اسلامی
رئیس سازمان انرژی اتمی

زهرا بهروز آذر
معاون امور زنان و خانواده

یادداشت

در ضرورت تحویل و تحول دولت به دولت

غلامرضا نظربلند
تحلیلگر

پدرم که خدایش بیامرزد، در یکی از ادارات شیراز مسئولیتی داشت که هر از چند وقت یک بار بنا به تصمیم سازمان متبوعش آن را به همکاری واگذار می‌کرد و مسئولیت دیگری را متقبل می‌شد. این چرخش کاری مناسکی داشت که مهم‌ترین آن، بر تحویل و تحول حوزه کاری تمرکز داشت، بدین‌گونه که مسئول جدید، تحویل‌گیرنده و مسئول پیشین، تحویل‌دهنده می‌بودند. به یاد دارم که اوج کاری او که به واقع شبانه‌روزی بود، در زمانی بود که این جابه‌جایی‌ها صورت می‌گرفت. از این رو، او می‌بایست بخشی از کار را در خانه انجام دهد که این طبعا باعث می‌شد که ما هم در جریان قرار بگیریم.

آنچه می‌توانم بگویم، در این خلاصه می‌شود که فهرست دقیق اقلام تحویلی در جداول مستقل از یکدیگر و حساب و کتاب مربوطه همراه با سابقه امر (به هنگام تحویل‌گرفتن) به قدری دقیق، شکیل و به قولی شسته و رفته بود که واقعا تحسین‌برانگیز بود. نگارنده با داشتن چنین خاطره‌ای همراه با تجربه بوروکراتیک چنددهه‌ای شخصی درشگفتم که تحویل و تحولی که مشمول حال مسئولی جزء می‌شد و کاملا هم صواب و صلاح بود، چرا اینک در بالاترین سطح که همانا دولت باشد، انجام نمی‌شود یا فرضا هم که انجام شود، به درستی و به طور کامل صورت نمی‌گیرد و فرجام نمی‌یابد؟!

تحویل و تحول دولت به دولت، در دنیای امروزی به برکت فناوری اطلاعاتی و دولت الکترونیک و برخورداری دستگاه دیوانی از عده و عده و پیاده‌نظام و سواره‌نظام کافی کاری بس ساده می‌نماید. اسناد تاریخی دو سده گذشته نشان از این دارد که حداقل در برخی از دولت‌ها حساب دخل و خرج کشور به طور مستمر و حتی در بازه‌های زمانی یک‌روزه تهیه و تنظیم و مانده‌گیری می‌شده است. در تبلیغات انتخاباتی اخیر سخنگویان بعضی از جناح‌های سیاسی چنین وانمود می‌کردند که گویی دولت سیزدهمی در کار نبوده و دولت از ۱۲ به ۱۴ جهش می‌یابد. به نظر می‌رسد این بدان دلیل بود که نه تنها دولت سیزدهم را از پاسخ‌گویی معاف کنند، بلکه بتوانند همه آوارها را هم روی سر دولت دوازدهم خراب کنند. در این میان البته کسانی بودند که دولت سیزدهم را هم به نظر آوردند. این نه از باب آواربرداری از دولت دوازدهم بود که البته نباید فرصت خراب‌کردن آوارها روی سر او از دست می‌رفت، بلکه از این جهت بود که نشان دهند دارند اسب زین‌شده تحویل دولت بعدی می‌دهند!

طی چند هفته اخیر و در بحبوحه انتخابات و نقل و انتقال‌های اولیه مناصب دولتی، جداول متعددی به‌ویژه از آخرین وضعیت اقتصادی کشور (در این اواخر دولت سیزدهم) به زبان آمار و اعداد و ارقام تهیه و در اختیار عموم قرار داده شده است. این اعداد و ارقام از آنجا که هیچ‌کدام رسمی نیستند، بنابراین حتی به فرض صحت کامل هم نمی‌توانند مورد استناد قرار گیرند و ملاک تطبیق و مقایسه بعدی واقع شوند. افزون بر این، بعضی از اطلاعات و آمار حتی کشف فقط در اختیار دستگاه دیوانی است و طبعا کسی غیر از دست‌اندرکاران مربوط و مرتبط را از آن اطلاعی نیست. واضح است که اطلاعات اقتصادی طبقه‌بندی که جای خود دارد.

اینک بر دولت در حال تشکیل چهاردهم فرض است که با استفاده از اختیارات قانونی و نیز دسترسی‌هایی که از این به بعد بیشتر و بیشتر پیدا می‌کند، بدون فوت وقت آخرین آمار و ارقام تمام دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی و ریالی کشور در داخل و خارج از جمله موجودی‌های نقدی، شبه‌نقد و دیگر انواع نقدینگی، خزانه، ضریب فزاینده پولی و خلق پول بدون پشتوانه، طلا و دارایی‌های خارجی، رمزارزها، حساب‌های بین بانکی و بین بانک مرکزی و بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، شرکت‌های بیمه‌ای، موجودی کالاهای صنعتی و محصولات کشاورزی و باغی از جمله در سیلوها، انبارها و در راه، واردات و صادرات اعم از کالایی، نقتی، حامل‌های انرژی و خدمات فنی و مهندسی و مقاصد صادراتی و مبادی وارداتی، تعهدات ریالی و ارزی از جمله حساب دیون و حساب موازنه پرداخت‌ها و به‌ویژه ...

ادامه در صفحه ۵

یادداشت

اقتصاد ملی؛ از تجارت تریاک تا تجارت املاک

ناصر ذاکری
کارشناس اقتصادی

مورخان می‌گویند کشت خشخاش در ایران از سال ۱۲۳۰ خورشیدی آغاز شده و به‌سرعت گسترش یافته است. سودآوری این محصول جدید باعث شد بخش مهمی از زمین‌های مرغوب کشاورزی به جای غلات به کشت خشخاش اختصاص یابد. این اتفاق هرچند سود فراوانی به همراه داشت، اما دو اثر منفی را در جامعه آن روز ایران بر جای گذاشت: از یک سو مصرف مواد مخدر افزایش یافت و از سوی دیگر تولید غلات با کاهش تدریجی روبه‌رو شد. کنسول انگلیس در بوشهر در گزارش خود یکی از علل بروز قحطی و کمبود گندم در سال‌های ۱۲۴۹-۱۲۵۰ را رونق کشت خشخاش و کم‌شدن سطح زیر کشت گندم عنوان می‌کند. درواقع بی‌تدبیری حکام وقت در برخورد با این ماجرا و دلخوش‌شدن به رونق نسبی اولیه، خسارتی جدی به اقتصاد ملی وارد کرد. رونق تجارت املاک در سه دهه گذشته نیز اثری بسیار مشابه ماجرای کشت خشخاش و تولید تریاک از خود بر جای گذاشته است. در ابتدای دهه ۷۰ با رشد بی‌رویه نقدینگی دوران ویژه‌ای در تاریخ اقتصادی کشورمان آغاز شد. صاحبان نقدینگی اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی برای کسب سود و حفظ ارزش دارایی خود به بازار املاک و مستغلات هجوم آوردند. در این ایام دولت باید با اجرای سیاستی خردمندانه این نقدینگی را در مسیری هدایت می‌کرد که بخش مولد اقتصاد بیشترین بهره را از آن ببرد. اگر چنین سیاستی طراحی می‌شد، دولت اجازه تبدیل زمین شهری و مسکن را به یک کالای تجاری نمی‌داد و به‌این‌ترتیب سیلاب نقدینگی نمی‌توانست به معیشت خانوارهای کم‌درآمد آسیب بزند. اما رونق چشم‌نواز فعالیت‌های ساخت‌وساز و افزایش جنب‌وجوش فعالان اقتصادی بسیاری از مسئولان را فریفت و آنان متوجه شباهت این ماجرا با رونق کشت خشخاش در ۱۴۰سال پیش نشدند. این رونق چشم‌نواز حتی بسیاری از نهادهای فرهنگی و مذهبی را هم مسحور کرد و درنتیجه نقدینگی انبوهی وارد این تجارت مخرب شد. رونق تجارت املاک و مستغلات شرایطی را فراهم کرد که تعدادی از بنگاه‌های مشاور املاک رشدی نجومی را تجربه کنند. گویی در سطح اقتصاد ملی تنها حوزه‌ای که حرفی برای گفتن داشت، خریدوفروش املاک و مستغلات بود. به‌این‌ترتیب شرایطی پدید آمد که تقریبا همه فعالان اقتصادی بزرگ کشور در کنار فعالیت جاری خود در حوزه خاص، در حوزه املاک و مستغلات هم فعالیتی برای خود دست‌وپا می‌کردند تا از قافله «رونق اقتصادی» کاذب عقب نمانند. به بیان دیگر تجارت املاک جایگزین بسیاری از اشکال فعالیت‌های سالم و مولد اقتصاد شد. همان‌گونه که ۱۴۰ سال پیش نیز کشت خشخاش و تولید تریاک جایگزین کشت گندم شد. برای داشتن تصوری واقعی از ابعاد رونق این خشخاش جدید و جایگزینی آن با کشت غلات، کافی است به این واقعیت توجه کنیم که امروزه در شرایطی که ارزش روز بورس اوراق بهادار کشور کمتر از ۱۵۰ میلیارد دلار برآورد شده است، ارزش سرمایه متراکم‌شده در حوزه املاک مسکونی استیجاری شهر تهران در حدود صد میلیارد دلار برآورد می‌شود!

همان‌گونه که رونق کاذب در دوران کشت خشخاش تداوم نیافت، رونق دلنواز تجارت املاک نیز نتوانست رشد اقتصادی را به ارمغان بیاورد و با درهم‌شکستن بنیان تولید در کشور، اتفاقی مشابه قحطی ۱۲۴۹-۱۲۵۰ چهره کریه خود را نمایان کرد. به‌این‌ترتیب از یک سو درآمد آسان اجاره املاک و مستغلات مانند افیون اقتصاد ملی را گرفتار کرده و انگیزه هرگونه فعالیت سالم اقتصادی را از بین برده است و از سوی دیگر با جایگزین‌شدن این خشخاش جدید با فعالیت‌های مولد و تعطیلی بسیاری از فعالیت‌های سالم اقتصادی، میدان مطلوبی برای فعالیت‌هایی از جنس واردات کالاهای چینی و توزیع آنها از طریق سیستم گسترده دست‌فروشی در مترو ایجاد شده است. درواقع آن عاملی که اجازه نمی‌دهد چهره کریه قحطی ناشی از جایگزین‌شدن تجارت املاک با فعالیت‌های مولد خود را نشان بدهد، همین امکان واردات گسترده انواع کالاهای مصرفی فاقد کیفیت مناسب از مبدأ چین است. امروز راه نجات اقتصاد کشور از دام رکود تورمی، اصلاح مسیر اقتصاد و بازگرداندن قطار اقتصاد کشور به ریل تولید است. اما چگونه می‌توان آن فعال اقتصادی را که به درآمد کم‌زحمت اجاره‌بگیری معتاد شده، بار دیگر به تلاش و خطرکردن و خلاقیت‌ورزیدن واداشت؟ در چنین شرایطی دولت چهاردهم باید با درک درست شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور راه نجات اقتصاد ملی از دام اعتیاد به درآمد مستغلاتی را هموار کند. حمایت مؤثر از فعالیت‌های سالم و مولد اقتصادی، ایجاد محدودیت‌های قانونی برای تجارت مستغلات، حمایت مؤثر از بورس و بازگرداندن اعتماد عمومی به این حوزه، نقطه شروعی برای این درمان طولانی و البته بسیار ضروری است. مداخله هوشمندانه در بازار املاک استیجاری و مهار رشد اجاره مسکن و حتی ایجاد روند کاهشی در آن، نه‌تنها حرکتی جدی در مسیر حمایت از اقشار کم‌درآمد است، بلکه می‌تواند جریان خروج نقدینگی از بازار مستغلات و بازگشت رونق به بخش مولد را سرعت ببخشد.

سرمقاله

منشوری برای دولت «وفاق ملی»

کیومرث اشتریان

این منشور، پیش‌نویسی نظری و عملیاتی برای دولت آقای پزشکیان است که به‌تدریج در این ستون منتشر می‌شود. امید که در تنقیح و نقد کارشناسان صیقل خورد و برای دولت مفید باشد. موفقیت دولت‌ها امروزه یک «خیر عمومی» است که می‌تواند حتی مستقل از یک رژیم سیاسی هم در نظر گرفته شود تا عهد اتفاق با دولت وفاق برآید. هرچند برخی در دو سوی طیف‌های سیاسی اصرار دارند که این «خیر عمومی» را به رژیم سیاسی نسبت دهند. این منشور دربرگیرنده موضوعاتی گوناگون از استراتژی نیروی انسانی تا «پروگرام»ها و «پروژه»های عملیاتی است. مهم‌ترین رکن اجرائی دولت، نیروی انسانی حدودا ۵۰۰نفره‌ای از سراسر کشور است که بایستی هماهنگی نظری و عملیاتی در درون خود داشته و چشم‌انداز مشترکی از توسعه داشته باشد تا شیرازه اصلی دولت از هم نپاشد و شوخ آشفتگی بر چهره دولت وفاق نقش نبندد. برای این کار یک هسته مدیریتی زیر نظر معاون اجرائی رئیس‌جمهور باید هدایت جلسات ماهانه (مجازی /یا حضوری) رئیس‌جمهور را با این ۵۰۰ نفر بر عهده داشته باشد تا رئیس‌جمهور به ایفای نقش رهبری (leadership) و نه مدیر اداری (Bureaucratic) قوه مجریه بپردازد.

۱- حکومت با آب آغاز می‌شود. در طول تاریخ تمدن، آب در رگ حیات حکومت رفته و می‌رود. حکمرانی آب تنها یک مسئله محیط‌زیستی نیست. رفع و حل فوری تحریم‌ها فعلا و ضرورتا به دست ما نیست، از این رو آب بیش از پیش اهمیت دارد و رکن اقتصاد مقاومتی است. پرداختن به آب باید ظرفیت‌های مهمی از کشاورزی و صنایع تبدیلی تا تحول ساختار شهرنشینی مبتنی بر صنعت دریایی در ایران را دربر بگیرد. سیاست آب در زمانه تحریم‌ها، امنیت ملی، امنیت غذایی، توسعه درون‌زا و اشتغال را تضمین می‌کند. در ۱۰ سال گذشته طرح‌ها و پروژه‌های تفصیلی برای حکمرانی آب در کشور آماده شده است و اجرای آنها اهتمام ویژه می‌طلبد.

۲- «وفاق» مستلزم استراتژی نیروی انسانی ملی است. دو گرایش افراطی در دو سوی امر سیاسی در ایران وجود دارد که جغد شب سیاه نومیدی‌اند و بر طبل حذف نیروهای ملی می‌زنند. در گذار سالیان، شماری از مردمان احساس می‌کنند که فرصت زندگی آنان در حصار تنگ یک گروه یا یک طبقه درآمده است. در این میان، آزردگی بخشی از نیروی انسانی فعال سیاسی-اجتماعی کشور (مثلا جمعیتی در حدود سه تا پنج میلیون نفر) که در حوزه‌های علمی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مؤثرند از دیگر بخش‌ها مهم‌تر است؛ چون امیدواری و ناامیدی آنان در جامعه موج می‌آفرینند. در هر جامعه‌ای بخش سیاسی فعالی از گروه‌های مختلف وجود دارد. اینها موتور محرکه بخش‌های گوناگون اقتصادی، فرهنگی و علمی‌اند و به نوع گزینش‌ها و نوع توزیع منابع و امتیازات آگاه‌تر و حساس‌ترند. اگر دایره گزینش‌ها و امتیازات محدود شود، اینها بیشتر و پیش‌تر از همه به آن واکنش نشان می‌دهند و بسته به مورد، امید یا ناامیدی را به دیگر بخش‌ها منتقل می‌کنند. «استراتژی نیروی انسانی ملی» قلب امید جامعه سیاسی است؛ آن را دست‌کم نگیرید و به زیاده‌خواهان فرقه‌گرا یا مقام‌طلب میدان ندهید. سعی کنید برای پست‌های معاونت وزیر و مدیر کل به‌تدریج فراخوان عمومی و رقابت شفاف برگزار کنید تا جمعی خبره (متشکل از سازمان اداری استخدامی، دستگاه مربوطه و فعالان بخش خصوصی در حوزه مورد نظر) بتوانند از میان داوطلبان درون و برون دستگاه اداری آنان را انتخاب و به مقامات تصمیم‌گیر معرفی کنند.

۳- اجماع‌سازی نباید به حوزه سیاسی محدود شود بلکه باید شامل این شود که بخش مهمی از بار سیاست رفاهی-مالیاتی-اقتصادی را بر دوش نهادهایی بگذارید که بخش مهمی از اقتصاد کشور را در دست دارند. آنها هم‌اکنون نیز کم و بیش درگیر فعالیت‌های رفاهی و خدمات عمومی هستند. ساماندهی این فعالیت‌ها را به چارچوب قانون نظام رفاه و تأمین اجتماعی و دیگر سیاست‌های قانون برنامه درآورید تا توسعه هدفمند شکل گیرد.

۴- یک هسته نظریه‌پرداز در معاونت راهبردی باید تحلیل نظری استواری برای توسعه ملی مبتنی بر ارزش‌های بومی فراهم کند. این معاونت با تمرکز هم‌زمان بر سیاست توسعه و سیاست خارجی می‌تواند هر سه ماه یک بار گزارشی مهم از مدیریت دانش دولت را به‌روزرسانی و جمع‌بندی کند.

ادامه در صفحه ۱۰

برگزیده‌ها

گزارش «شرق» از تغییرات گسترده بدنه سازمان برنامه و بودجه در دولت سیزدهم

مدیران اتوبوسی

در دولت سیزدهم حداقل ۱۲۶ مدیر در سازمان برنامه و بودجه تغییر کرده‌اند

۴

در گفت‌وگو با کارشناسان بررسی شد

اولویت‌های دیپلماتیک دولت چهاردهم

۳

چه چیزی در پسِ شورش‌های بریتانیا نهفته است؟

از «راست افراطی» تا «مهاجرت بی‌ضابطه»

۵

دردانه‌ای به نام یزدانی

۹

مطالبات ۲ نهاد صنفی فراموش نشود

۱۲

نگاه

آیا کسب درآمد از طریق فرهنگ امکان‌پذیر است؟

یادداشتی از شبنم لشگری

۱۰

یادداشت

چالش مدرنیته با خشونت

کیکاوس پورایوبی

زمانی که آبراهام لینکلن، رئیس‌جمهور شانزدهم ایالات متحده، با عزمی راسخ و اراده‌ای قوی ایالات شمالی آمریکا را متحد کرد تا علیه آپارتاید برده‌داری ایالات جنوبی آن کشور که عمدتا ثروتمند بودند، متحد شوند و با پدیده زشت و شوم برده‌داری مقابله کنند، تصور نمی‌رفت مناطق جنوبی با داشتن سرمایه عظیم و کشتزارهای حاصلخیز و سترگ خود تسلیم شوند؛ اما لینکلن با هوش، درایت و سرنوشت ماورایی خود این مهم را در تاریخ ثبت و لغو برده‌داری در آمریکا را به اسم خود ماندگار کرد. تاریخ گذشت؛ گرچه سیاهان و رنگین‌پوستان در آمریکای متمدن ظاهرا تفاوتی با سفیدپوستان ندارند و نداشتند، اما این جریان هرازگاهی به شکلی خشونت‌آمیز عریان می‌شود و فوران کرده و خود را مجسم می‌کند. در اوج قرن بیستم شاهد هستیم مارتین لوترکینگ، این آفریقایی‌تبار سیاه‌پوست، بزرگ‌ترین جنبش مدنی و نافرمانی اجتماعی در آمریکا را برای احقاق حقوق برابر سیاهان در مقابل سفیدپوستان هدایت و رهبری کرد که حاصل آن اگرچه ازدست‌دادن جان وی بود، اما نهضت کاتالیزور مؤثری برای ادامه مسیر بهتر زندگی برابر و آزاد شد. در اروپای متمدن و مدرن شاید اتفاق‌هایی از این دست در داخل مرزهایش کمتر روی داده باشد، اما همواره اروپا با کوله‌باری از نقض حقوق انسان‌ها در آن سوی مرزهایش مواجه بوده است. فارغ از بعد استثمار و استعماری که در جهان سوم و کمترتوسعه‌یافته داشته، در برهه‌ای از زمان با حمایت مستقیم از تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها، زمینه را برای رشد خشونت آماده کرده است. اکنون در گردونه چرخش قرن بیست‌ویکم، به راحتی نسلی در حال انقراض است؛ در وحشیانه‌ترین حملات و ترور انسان‌ها در سرزمینی از خاورمیانه هیچ کودکی در امنیت نیست و اوج خشونت به مرز جنون رسیده است. رئیس و یکی از پایه‌گذاران چنین خشونتی در دل تمدنی کاملا مدرن، با تشویق‌های پیاپی مورد حمایت از طرف کنگره آمریکا قرار می‌گیرد.

ادامه در صفحه ۵